

# «جاده» جدیدترین فیلم سینمای سوریه

دینا محمود



از محیط ساده روستایی، عبداللطیف عبدالحمید کارگردان سوریه بیشتر فیلم‌های خود را خلق می‌کند و این بار بُعد فلسفی عمیق‌تر و زیبایی‌شناختی‌تری را به آن‌ها می‌افزاید و فیلم جاده را می‌سازد که ما را به اهمیت کار بر روی آگاهی انسان و رفتار با مردم توجه می‌دهد و چند موضوع محوری و مهم را یادآوری می‌کند. عبداللطیف عبدالحمید با یک صحنه مقدماتی، عنوان و زمان فیلم را روشن می‌کند، ما را در اولین جاده‌ای قرار می‌دهد که با دوربینش در محیط روستایی ثبت کرده است و در اکثر فیلم‌هایش با این محیط به دور از شهر طرف بوده، و ما را همراه می‌کند تا با زبانی سینمایی در این مسیر قدم بزنیم. البته اینجا باید به زیبایی طبیعت لوکیشن فیلمبرداری که او در روستایی در سواحل سوریه انتخاب کرده، اشاره کرد.

## الهام از زندگی توماس ادیسون

این فیلم که اخیراً برنده جایزه بهترین فیلمنامه جشنواره قرطاج ۲۰۲۲ در تونس شد، الهام گرفته از داستان مخترع معروف توماس ادیسون است که مادرش پس از اینکه مدرسه او را به این دلیل که او فرد کودنی است اخراج کرد، تصمیم گرفت در خانه به او آموزش دهد. در این فیلم پدر بزرگ «صالح» تصمیم می‌گیرد برای نوه‌اش که هم نام او است راهی غیر از آنچه معلمانش و مدیر مدرسه‌اش «الفارابی» انتخاب کردند، باز کند. پدر بزرگ پیامی را که از مدرسه دریافت کرده بود در مورد اخراج نوه‌اش که با او زندگی می‌کند پنهان می‌کند. این اتفاق هم زمان با مرگ مادر صالح و مهاجرت پدرش برای زندگی و کار در شهری دیگر، رخ داده است. وقایع فیلم با فروختن یک زمین توسط پدر بزرگ و ساختن یک مدرسه خصوصی برای نوه خردسالش شروع می‌شود، پس از اینکه او را فریب می‌دهد که نامه‌ای که از مدیریت مدرسه دریافت کرده است، می‌گوید که او به زعم همه مسئولان مدرسه یک کودک نابغه است و این نابغه به یک مدرسه‌ای نیاز دارد که در آن به تنهایی درس بخواند، آن هم همراه معلمان استثنایی در زبان عربی، ریاضی، فیزیک و علوم برای حفظ نبوغ و رشد این کودک نابغه.

## دوگانگی میان پدر بزرگ و نوه

دوگانگی پدر بزرگ و نوه در فیلم «جاده» از فرمول سنتی خانواده سوریه و از نقش پدر و

مادر در زندگی فرزندان فاصله گرفته است. در این فیلم برخلاف بسیاری از فیلم‌ها خانواده را کودک و والدین تشکیل نمی‌دهند. همچنین در فیلم هم داستان عاشقانه‌ای را دنبال می‌کنیم که دختری هم سن شخصیت اصلی فیلم یعنی «صالح» با او فضایی عاشقانه را ایجاد می‌کند. این دختر همیشه به صالح قرص‌هایی نان می‌دهد و از حقیقت ماجرا و ضعف شدید او در درس‌هایش اطلاعی دارد، این رابطه عاشقانه حدوداً از دهه هشتاد میلادی (شصت شمسی) تا زمانی نامشخص شکل می‌گیرد و به نظر می‌رسد که عبداللطیف عمداً زمان داستان را واضح اعلام نکرده و از نزدیک شدن به رویدادهای سیاسی که کشور از سر گذرانده، فرار کرده است.

## زمان ناآشکار فیلم

تنها اشاره به رویدادهای حاشیه‌ای این است که گروهی از مردان روستایی در تمام مدت فیلم در جاده رفت و آمد می‌کنند تا با مردم روستای همسایه بجنگند، اما همیشه بدون هیچ پیروزی بر دشمن برمیگردند. پنهان نیست که این صحنه یک تلمیح و اشاره به جنگ‌های داخلی سوریه‌ها بدون پرداختن به جزئیات و توضیحاتی است که فیلم «جاده» چندین بار صرفاً صحنه‌هایی از آن را تکرار کرده است، استعاره‌ای از جنگ‌ها و شکست‌هایی بیش از یک قرن که مردم سوریه از سر گذرانده‌اند و هنوز هم با آن زندگی می‌کنند.

## فلسفه «جاده»

نام فیلم برگرفته از ایده‌ای است که توسط «صالح» پدر بزرگ برای آموزش نوه‌اش پیشنهاد شده است، جایی که از او خواسته در جاده بنشیند و تمام مشاهدات خود را ثبت کند، که اولین قدم در توسعه یکی از مراحل تفکر است؛ مشاهده آگاهانه همه چیزهایی است که در اطراف شما می‌گذرد، به طوری که در نتیجه کنجکاوی برای درک زندگی، علل و اهداف آن، و سوالات شروع می‌شود و اینجا نقش پدر بزرگ پاسخ دادن و هدایت کردن نوه از نظر اجتماعی و تربیتی است. فلسفه جاده، در نماد زندگی‌ای باید تکامل یابد تا آگاهی متبلور شود، بنابراین لازم بود معلمی الهام بخشی و راهنمایی کند، لذا پدر بزرگ شروع به ساخت مدرسه مخصوص بهره‌مندی نوه‌اش می‌کند. و اینجا هم یک کنایه انتقادی و آموزشی روشن به ناتوانی نظام

آموزشی سنتی در برآوردن تمامی نیازهای دانش آموزان و در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی آنان دارد. فیلم با صحنه‌ای به پایان می‌رسد که نوه صالح پزشکی متخصص جراحی مغز و اعصاب شد، و پدر بزرگ در مقابل همه ساکنین روستا نامه مدرسه‌ای را که بیش از بیست سال پنهان کرده بود می‌خواند. سپس او داستان توماس ادیسون را برای آنها تعریف می‌کند.

## راز عبدالحمید در سادگی است

عبداللطیف عبدالحمید، به سادگی با دوربین برخورد می‌کند، به طوری که زمانی او را کارگردان سینمای سادگی می‌نامیدند، بنابراین دوربین‌های او را در زوایای مختلف فیلمبرداری و نماهای مختلف در حال حرکت می‌بینید و یک جاسا ثابت نمی‌ماند، البته روی جزئیات ظریفی که دیگران ممکن است نادیده بگیرند تمرکز می‌کند. کارگردان فیلم (عبداللطیف عبدالحمید) فیلمنامه را با عادل محمود شاعر سوریه نوشته‌اند، بنابراین ما با فیلمنامه و دیالوگی روان، شبیه به یک شعر منثور مختصر روبرو هستیم که پیام را به وضوح منتقل می‌کند، همراه با تأثیرات موسیقایی که توسط خالد رزق انتخاب شده است، که بیان هویت سوریه است که بخش از آنها از آهنگ‌های فولکلور گرفته شده است.

## نگاه

عبداللطیف عبدالحمید متولد ۱۹۵۴ است. او در سال ۱۹۸۱ از مؤسسه عالی سینمایی مسکو فارغ التحصیل شد. در سال ۱۹۸۸ فیلم «شب‌های شغال» را ساخت که برنده شمشیر زرین جشنواره دمشق شد. جایزه زیتون زرین جشنواره فیلم مدیترانه در کورسیکا و جایزه نخست جشنواره آنتونی فرانسه از دیگر جوایزی هستند که فیلم‌های او کسب کرده‌اند. در سال ۱۹۹۱، فیلم «پیام شفاهی» را ساخت که برنده جایزه برنز جشنواره فیلم والنسیا شد. همچنین او موفق به دریافت جایزه منتقدان جشنواره مون پولیو نیز شده است. دیگر ساخته او «صعود باران» (۱۹۹۴) برنده جوایز بهترین بازیگری، موسیقی، و فیلمبرداری نهمین جشنواره دمشق شده است. «سسیم روح» که برنده جایزه نقره‌ای جشنواره فیلم دمشق شد. دیگر اثر او در سال ۲۰۰۱ با نام «دوماه و درخت زیتون» جایزه نقره جشنواره فیلم دمشق را کسب کرده است.



## دوگانگی

پدر بزرگ و نوه در  
فیلم «جاده» از فرمول  
سنتی خانواده سوریه  
و از نقش پدر و مادر  
در زندگی فرزندان  
فاصله گرفته است.  
در این فیلم برخلاف  
بسیاری از فیلم‌ها  
خانواده را کودک  
و والدین تشکیل  
نمی‌دهند. همچنین  
در فیلم هم داستان  
عاشقانه‌ای را دنبال  
می‌کنیم